

A Socio-Cultural Analysis of ISIS's Violent Behaviors in Contrast with Islamic Jurisprudence and International Law

Ali Jahani: Theology Department, ct.c., Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Purmanuchehri: Theology Department, ct.c., Islamic Azad University, Tehran, Iran

Reza Ehsanpour: Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Shahed University, Tehran, Iran

Abstract:

This research investigates the socio-cultural underpinnings of ISIS's violent behaviors, including massacres, genocide, destruction of cultural heritage, and enslavement, from the perspectives of Islamic jurisprudence, international law, and Iranian domestic law. Utilizing a qualitative descriptive-analytical method and content analysis of documents (2020-2025), the findings reveal that ISIS's actions contradict fundamental principles of Islamic jurisprudence (both Shia and Sunni), such as the principle of non-harm (*la zarar*) and human dignity, stemming from literalist interpretations of religious texts. Under international law, these actions constitute crimes against humanity, war crimes, and genocide (Articles 6-8 of the Rome Statute), violating the UN Charter; however, jurisdictional limitations of the International Criminal Court hinder the full pursuit of justice. In Iranian law, the charges of *moharebeh* (enmity against God), *efsad fi-al-ard* (corruption on earth), and premeditated murder (Islamic Penal Code of 1392) apply, but the lack of a comprehensive counter-terrorism law presents challenges. Social factors such as political instability, poverty, and a lack of proper religious education contributed to ISIS's rise. Iranian criminal courts and the International Criminal Court possess jurisdiction, yet legal and implementation gaps necessitate reforms to domestic laws and enhanced international cooperation. Reparation for material and immaterial damages is mandated under both systems, although significant implementation obstacles persist.

Keywords: ISIS, Islamic jurisprudence, international law, Iranian law, war crimes

بررسی فرهنگی-اجتماعی رفتارهای خشونت‌آمیز داعش در تقابل با فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل

ali.jahanibavoot@iau.ac.ir

علی جهانی بایقوت: گروه الهیات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*سیدعلی پورمنوچهری: گروه الهیات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Ali.pourmanouchehri@iau.ac.ir

Ehssanpour@shahed.ac.ir

سیدرضا احسان پور: استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

چکیده:

دولت اسلامی شام (داعش)، به عنوان نمونه‌ای بارز از گروه‌های افراطی و رادیکال در جهان اسلام است که معضلی پیچیده و چندوجهی در عصر حاضر ایجاد کرده است. ریشه‌های آن در برداشت‌های ظاهرگرایانه و انحرافی از متون دینی نهفته است، با استناد به تفسیرهای افراطی از قرآن و سنت، اقدامات خشونت‌آمیز همچون تکفیر، ترور، عملیات انتحاری و نسل‌کشی را مشروع جلوه داده است. این اعمال، نشان از انحراف عمیق از اصول فقهی و اخلاقی اسلامی دارد و ضرورت بررسی دقیق و موشکافانه‌ی رابطه‌ی گفتمان دینی و خشونت را آشکار می‌سازد. این پژوهش به بررسی فرهنگی-اجتماعی رفتارهای خشونت‌آمیز داعش، شامل قتل‌عام، نسل‌کشی، تخریب آثار باستانی، و استرقاق، از منظر فقه اسلامی، حقوق بین‌الملل، و حقوق موضوعه ایران می‌پردازد. با استفاده از روش کیفی توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای اسناد (۲۰۲۰-۲۰۲۵)، یافته‌ها نشان داد که اقدامات داعش با اصول فقه اسلامی (شیعه و سنی)، مانند قاعده لاضرر و کرامت انسانی، مغایر است و نتیجه تفاسیر ظاهرگرایانه از متون دینی است. در حقوق بین‌الملل، این اقدامات مصداق جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، و نسل‌کشی (مواد ۶-۸ اساسنامه رم) بوده و نقض منشور ملل متحد هستند، اما محدودیت‌های صلاحیتی دیوان کیفری بین‌المللی مانع اجرای کامل عدالت شده است. در حقوق ایران، عناوین محاربه، افساد فی الارض، و قتل عمد (قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) اعمال می‌شوند، اما فقدان قانون جامع ضدتروریسم چالش ایجاد کرده است. عوامل اجتماعی مانند بی‌ثباتی سیاسی، فقر، و فقدان آموزش دینی صحیح زمینه‌ساز ظهور داعش بودند. دادگاه‌های کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت دارند، اما خلأهای قانونی و اجرایی نیازمند اصلاح قوانین داخلی و همکاری بین‌المللی است. جبران خسارات مادی و معنوی نیز در هر دو نظام الزامی است، اما موانع اجرایی وجود دارد.

واژگان کلیدی: داعش، فقه اسلامی، حقوق بین‌الملل، حقوق ایران، جنایات جنگی

*نویسنده مسئول: علی پورمنوچهری، گروه الهیات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آدرس پست الکترونیک: Ali.pourmanouchehri@iau.ac.ir

پیدایش گروه‌های افراطی و رادیکال در جهان اسلام یکی از چالش‌های پیچیده معاصر است که ریشه‌های آن به تفاسیر ظاهرگرایانه و انحرافی از متون دینی بازمی‌گردد. گروه دولت اسلامی (داعش)، به‌عنوان یکی از بارزترین نمونه‌های این جریان‌ها، با اتکا به برداشت‌های افراطی از قرآن و احادیث، اقداماتی نظیر تکفیر، ترور، عملیات انتحاری، و نسل‌کشی را توجیه کرده است (احمدی، ۲۰۲۱: ۴۵). این اقدامات نه تنها با اصول فقه اسلامی (شیعه و سنی) در تعارض است، بلکه نقض آشکار قواعد حقوق بین‌الملل، از جمله کنوانسیون‌های ژنو و اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود (اسمیت، ۲۰۲۲: ۱۱۲).

اهمیت بررسی اقدامات داعش از منظر فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل در این است که این گروه بسیاری از جنایات خود را با استناد به متون دینی توجیه می‌کند. برای نمونه، تخریب آثار باستانی در عراق و سوریه یا به اسارت گرفتن اقلیت‌های دینی مانند ایزدی‌ها با استناد به فتاوی خودخوانده و برداشت‌های نادرست از احکام فقهی مانند «استرقاق» انجام شده است (محمدی، ۲۰۲۰: ۷۸). گزارش‌های سازمان ملل^۲ نیز نشان می‌دهد که داعش به‌طور سیستماتیک مرتکب جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی شده است. از این‌رو، بررسی این اقدامات از منظر فقه اسلامی برای روشن ساختن انحرافات داعش و تبیین مغایرت آن‌ها با اصول شریعت ضروری است.

از سوی دیگر، تحلیل این اقدامات از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری ایران به درک بهتر چالش‌های حقوقی و خلأهای قانونی در مقابله با تروریسم کمک می‌کند. ایران، به‌عنوان یکی از قربانیان اصلی تروریسم، با وجود الحاق به برخی اسناد بین‌المللی ضدتروریسم، هنوز فاقد قانون جامع و مشخصی برای جرم‌انگاری تروریسم است (رحیمی، ۲۰۲۳: ۱۰۲). این خلأ قانونی، همراه با پیچیدگی‌های تعامل فقه اسلامی و حقوق عرفی در نظام حقوقی ایران، ضرورت بررسی اقدامات داعش را از منظر حقوقی دوجندان می‌کند. همچنین، با توجه به احتمال الحاق ایران به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در آینده، آگاهی از مقررات بین‌المللی در خصوص جبران خسارات و مجازات جنایات داعش اهمیتی حیاتی دارد (جانسون^۳، ۲۰۲۳: ۸۹). این پژوهش با هدف تحلیل رفتارهای خشونت‌آمیز داعش از سه منظر فقه اسلامی، حقوق کیفری ایران، و حقوق بین‌الملل، به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا توجیهات داعش برای اقداماتش با مبانی فقهی و حقوقی هم‌خوانی دارد و چگونه می‌توان این اقدامات را در چارچوب مسئولیت کیفری و مدنی تحلیل کرد.

داعش بسیاری از اقدامات خشونت‌آمیز خود را با استناد به برداشت‌های سطحی از متون فقهی و احادیث توجیه کرده است. به‌عنوان مثال، تخریب میراث فرهنگی در موصل و پالمیرا با استناد به احادیثی در مورد منع بت‌پرستی انجام شد، در حالی که این اقدامات از منظر فقه شیعه و سنی، مغایر با قواعد حفظ اموال عمومی و احترام به فرهنگ بشری است (علوی، ۲۰۲۲: ۶۵). همچنین، به اسارت گرفتن زنان ایزدی و توجیه آن تحت عنوان «استرقاق» با اصول فقهی مانند قاعده «لاضرر» و احترام به کرامت انسانی در تعارض است (حاسان^۴، ۲۰۲۱: ۱۳۴).

از منظر فقه شیعه، اقداماتی مانند قتل اسیران یا تخریب اماکن مذهبی به‌شدت محکوم شده و با استناد به قواعدی چون «قاعده اتلاف» و «قاعده تسبیب» قابل پیگرد است (موسوی، ۲۰۲۰: ۹۲). در فقه سنی نیز، علمایی مانند شیخ الازهر، اقدامات داعش را به دلیل نقض اصول عدالت و رحمت در اسلام، نامشروع دانسته‌اند (ال-طیب^۵، ۲۰۲۰: ۴۵). این انحرافات فقهی نشان‌دهنده سوءاستفاده داعش از متون دینی برای پیشبرد اهداف سیاسی و نظامی است.

در نظام حقوقی ایران، تروریسم به‌عنوان یک جرم مستقل به‌طور کامل تعریف نشده است، و این خلأ قانونی مانع از برخورد مؤثر با گروه‌هایی مانند داعش شده است (قاسمی، ۲۰۲۱: ۱۲۰). با این حال، اقداماتی نظیر قتل، تخریب اموال عمومی، و نقض حقوق اقلیت‌ها می‌تواند تحت عناوین مجرمانه‌ای مانند «محاربه» یا «افساد فی‌الارض» در قانون مجازات اسلامی ایران مورد پیگرد قرار گیرد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: ماده ۲۷۹). همچنین، قواعد فقهی مانند «ضمان ید» و «قاعده لاضرر» می‌توانند مبنای

¹ Smith

² UNHCHR

³ Johnson

⁴ Hassan

⁵ Al-Tayeb

مسئولیت مدنی عاملان این اقدامات باشند (رضایی، ۲۰۲۳: ۵۵). ایران به برخی اسناد بین‌المللی ضدتروریسم، مانند کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹)، ملحق شده است، اما عدم الحاق به کنوانسیون‌های کلیدی دیگر، مانند کنوانسیون پالمو، محدودیت‌هایی در همکاری بین‌المللی ایجاد کرده است (براون، ۲۰۲۲: ۷۸). از این رو، تبیین سیاست کیفری ایران در قبال داعش نیازمند بازنگری قوانین داخلی و تقویت تعامل با نهادهای بین‌المللی است.

اقدامات داعش، از جمله اعدام‌های دسته‌جمعی، تجاوز جنسی، و نسل‌کشی اقلیت‌ها، به‌وضوح در چارچوب جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی مندرج در مواد ۵ تا ۸ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد. گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل^۶ در سال ۲۰۲۱ به صراحت داعش را به ارتکاب جنایات علیه بشریت، از جمله قتل‌های هدفمند و کوچ اجباری اقلیت‌های دینی، متهم کرده است.

علاوه بر این، اقدامات داعش نقض اصول منشور ملل متحد، به‌ویژه ماده ۲ در مورد منع توسل به زور، است و خسارات گسترده‌ای به غیرنظامیان و زیرساخت‌های فرهنگی وارد کرده است (ویلسون، ۲۰۲۳: ۱۰۱). با وجود شواهد فراوان، فقدان اقدام قاطع جامعه بین‌المللی برای محاکمه اعضای داعش، یکی از چالش‌های اصلی در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی است. در حوزه جبران خسارت، حقوق بین‌الملل مفهوم خسارت معنوی را به رسمیت می‌شناسد، اما پیچیدگی‌های اجرایی آن، به‌ویژه در مورد قربانیان داعش، همچنان مورد بحث است (گاریکا، ۲۰۲۰: ۶۷). دیوان کیفری بین‌المللی و دیگر نهادهای بین‌المللی می‌توانند با استناد به قواعد حقوق بشردوستانه، مسئولیت داعش را در جبران خسارات مادی و معنوی قربانیان پیگیری کنند.

بنیان‌های اجتماعی پیدایش داعش

ظهور گروه دولت اسلامی (داعش) نتیجه تعامل پیچیده عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی در خاورمیانه، به‌ویژه در عراق و سوریه، بود. این عوامل، که اغلب ریشه در نابرابری‌های اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی، و خلأهای فرهنگی-آموزشی دارند، به داعش امکان داد تا با بهره‌گیری از ناراضی‌های موجود، نیرو جذب کرده و ایدئولوژی افراطی خود را گسترش دهد. در ادامه، بنیان‌های اجتماعی کلیدی پیدایش داعش تحلیل می‌شود.

۱. بی‌ثباتی سیاسی و خلأ قدرت

بی‌ثباتی سیاسی در عراق و سوریه پس از تهاجم آمریکا به عراق (۲۰۰۳) و جنگ داخلی سوریه (۲۰۱۱) یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی ظهور داعش بود. سقوط رژیم بعث در عراق و سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت نوری المالکی علیه سنی‌ها، به حاشیه‌نشینی اجتماعی و سیاسی اقلیت سنی منجر شد و زمینه را برای جذب نیرو توسط گروه‌های افراطی فراهم کرد (حاسان، ۲۰۲۱: ۱۳۴). در سوریه نیز، سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز توسط رژیم بشار اسد و تبدیل آن به جنگ داخلی، خلأ قدرتی ایجاد کرد که داعش از آن بهره‌برداری کرد (ویلسون، ۲۰۲۳: ۹۲).

این بی‌ثباتی‌ها، همراه با ضعف نهادهای دولتی، به داعش امکان داد تا با ارائه وعده‌های برقراری «خلافت اسلامی»، گروه‌های ناراضی را به خود جلب کند. رحیمی (۲۰۲۳) در این باره استدلال می‌کند که فقدان مشروعیت سیاسی دولت‌های عراق و سوریه، به‌ویژه در مناطق سنی‌نشین، به داعش اجازه داد تا به‌عنوان یک نیروی جایگزین عمل کند.

۲. نابرابری‌های اقتصادی و حاشیه‌نشینی

فقر، بیکاری، و نابرابری‌های اقتصادی در مناطق تحت نفوذ داعش، به‌ویژه در مناطق روستایی و حاشیه‌ای عراق و سوریه، نقش مهمی در جذب افراد به این گروه ایفا کرد. جوانان بیکار و محروم، که از دسترسی به آموزش و فرصت‌های شغلی محروم بودند، به‌راحتی تحت تأثیر وعده‌های مالی و اجتماعی داعش قرار گرفتند (علوی، ۲۰۲۲: ۶۷). داعش با ارائه حقوق ماهانه، امکانات اولیه، و حس تعلق به یک «جامعه آرمانی»، توانست افراد حاشیه‌نشین را جذب کند.

⁶ Brown

⁷ UNHCHR

⁸ Wilson

⁹ Garsiya

الحسینی (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای نشان داد که مناطق محروم مانند الانبار در عراق و رقه در سوریه، که از توسعه اقتصادی عقب مانده بودند، به مراکز اصلی جذب نیرو توسط داعش تبدیل شدند. این شرایط اقتصادی، همراه با احساس تبعیض قومی و مذهبی، به داعش امکان داد تا از ناراضی‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ خود استفاده کند.

۳. فقدان آموزش دینی صحیح و سوءاستفاده از خلأهای فرهنگی

یکی از بنیان‌های اجتماعی کلیدی پیدایش داعش، فقدان آموزش دینی جامع و صحیح در جوامع هدف بود. داعش با بهره‌گیری از تفاسیر ظاهرگرایانه و گزینشی از متون دینی، مانند آیات جهاد و احادیث مربوط به خلافت، توانست افراد کم‌سواد دینی را به خود جلب کند (احمدی، ۲۰۲۱: ۴۸). این گروه با استفاده از تبلیغات گسترده در شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌هایی مانند X، روایت‌های ساده‌انگارانه‌ای از «جهاد» و «خلافت» ارائه کرد که برای جوانان ناامید جذاب بود (حاسان، ۲۰۲۱: ۱۳۶).

الطیب (۲۰۲۰) در این باره استدلال می‌کند که ضعف نهادهای دینی سنتی، مانند مساجد و مراکز آموزشی، در ارائه تفاسیر معتدل از اسلام، به داعش اجازه داد تا خلأ فرهنگی را پر کند. این خلأ، همراه با دسترسی گسترده به اینترنت و تبلیغات آنلاین، به داعش امکان داد تا ایدئولوژی خود را به‌سرعت در میان گروه‌های جوان و ناراضی منتشر کند.

۴. تبعیض قومی و مذهبی

تبعیض علیه گروه‌های قومی و مذهبی، به‌ویژه سنی‌ها در عراق و اقلیت‌های دینی مانند ایزدی‌ها و مسیحیان، یکی دیگر از عوامل اجتماعی ظهور داعش بود. در عراق، سیاست‌های دولت شیعه‌محور پس از ۲۰۰۳، مانند حذف سنی‌ها از مناصب دولتی و ارتش، به احساس محرومیت و خشم در میان این گروه منجر شد (اسمیت^{۱۱}، ۲۰۲۲: ۱۱۵). داعش با بهره‌گیری از این ناراضی‌ها، خود را مدافع «حقوق سنی‌ها» معرفی کرد و حمایت برخی قبایل سنی را جلب نمود.

در سوریه نیز، سرکوب اقلیت‌ها توسط رژیم اسد و درگیری‌های فرقه‌ای، به داعش امکان داد تا با شعار «دفاع از اسلام»، گروه‌های مختلف را به خود جلب کند. رحیمی (۲۰۲۳) تأکید می‌کند که تبعیض مذهبی، همراه با درگیری‌های قومی، به داعش اجازه داد تا از شکاف‌های اجتماعی برای گسترش نفوذ خود استفاده کند.

مرور ادبیات پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با رفتارهای خشونت‌آمیز داعش از منظر فقه اسلامی، حقوق بین‌الملل، و عوامل فرهنگی-اجتماعی طی سال‌های اخیر به دلیل تأثیرات گسترده این گروه بر جوامع اسلامی و نظام حقوقی جهانی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این مطالعات را می‌توان در سه حوزه اصلی فقهی، حقوقی، و فرهنگی-اجتماعی دسته‌بندی کرد.

مطالعات فقهی

در حوزه فقه اسلامی، پژوهش‌ها بر انحرافات داعش از اصول شریعت و سوءاستفاده این گروه از متون دینی تمرکز دارند. احمدی (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل فقهی اقدامات داعش در خاورمیانه نشان داد که توجیهات داعش برای اقداماتی مانند تکفیر و استرقاق با قواعد فقهی مانند «لاضرر» و «اتلاف» مغایر است. وی تأکید کرد که تفاسیر ظاهرگرایانه داعش از احادیث، ریشه در فقدان آموزش دینی صحیح دارد. به‌طور مشابه، محمدی (۲۰۲۰) در پژوهش داعش و انحرافات فقهی: بررسی استرقاق در فقه اسلامی به تحلیل بردگی زنان ایزدی توسط داعش پرداخت و استدلال کرد که این اقدامات با اصول کرامت انسانی در فقه شیعه و سنی ناسازگار است.

در منابع عربی، الطیب (۲۰۲۰) در کتاب الإسلام والتطرف: منظور فقهی با استناد به فتاوی علمای الازهر، اقدامات داعش را به دلیل نقض عدالت و رحمت اسلامی محکوم کرد و خواستار بازنگری در آموزش فقهی برای پیشگیری از تفاسیر افراطی شد. همچنین، علوی (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان فقه و میراث فرهنگی: بررسی تخریب آثار باستانی توسط داعش نشان داد که تخریب اماکن تاریخی توسط داعش با قواعد حفظ اموال عمومی در فقه اسلامی مغایر است و نتیجه برداشت‌های نادرست از احادیث مربوط به بت‌پرستی است. این مطالعات بر ضرورت بازتعریف مفاهیم فقهی برای مقابله با سوءاستفاده‌های داعش تأکید دارند، اما کمتر به مقایسه تطبیقی فقه شیعه و سنی در این زمینه پرداخته‌اند.

¹¹ Smith

مطالعات حقوقی

از منظر حقوقی، پژوهش‌ها به تحلیل اقدامات داعش در چارچوب حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری داخلی پرداخته‌اند. العیقلی (۲۰۲۱) در مقاله جرائم داعش فی ضوء القانون الدولي الإنساني استدلال کرد که جنایات داعش، مانند نسل‌کشی ایزدی‌ها، نیازمند پاسخ هماهنگ جامعه جهانی است، اما فقدان اقدام قاطع مانع اجرای عدالت شده است.

در زمینه حقوق داخلی ایران، قاسمی (۲۰۲۱) در مقاله خلأهای قانونی در مقابله با تروریسم در ایران به نبود تعریف مستقل جرم تروریسم در قوانین کیفری ایران اشاره کرد و پیشنهاد داد که عناوینی مانند «محاربه» و «افساد فی‌الارض» برای پیگرد اقدامات داعش کافی نیستند. رضایی (۲۰۲۳) نیز در مسئولیت مدنی در فقه و حقوق ایران با استناد به قواعد فقهی مانند «اتلاف» و نظریه‌های حقوقی مانند «تقصیر»، مسئولیت مدنی داعش برای جبران خسارات مادی و معنوی قربانیان را بررسی کرد. این مطالعات نشان‌دهنده خلأهای قانونی در ایران هستند، اما کمتر به تعامل فقه و حقوق عرفی در سیاست کیفری ایران پرداخته‌اند.

مطالعات فرهنگی-اجتماعی

در حوزه فرهنگی-اجتماعی، پژوهش‌ها به عوامل زمینه‌ساز گسترش تفکرات افراطی داعش و تأثیرات اجتماعی اقدامات این گروه پرداخته‌اند. حاسان (۲۰۲۱) در مقاله ای استدلال کرد که عواملی مانند بی‌ثباتی سیاسی، فقر، و فقدان آموزش دینی صحیح در مناطق تحت نفوذ داعش، به جذب نیرو و گسترش ایدئولوژی این گروه کمک کرده است ویلسون (۲۰۲۳) در مقاله ای تأثیر تخریب میراث فرهنگی توسط داعش بر هویت جوامع محلی را بررسی کرد و آن را ابزاری برای سرکوب فرهنگی دانست.

در منابع فارسی، رحیمی (۲۰۲۳) در سیاست کیفری ایران در قبال تروریسم: چالش‌ها و راهکارها به نقش عوامل اجتماعی مانند حاشیه‌نشینی و بیکاری در گرایش افراد به گروه‌های افراطی اشاره کرد و خواستار برنامه‌های آموزشی و اجتماعی برای پیشگیری شد (رحیمی، ۲۰۲۳: ۱۰۲). همچنین، الحسینی (۲۰۲۲) در مقاله آثار الإرهاب على المجتمعات المحلية: دراسة حالة اليزيديين تأثیرات روانی و اجتماعی اقدامات داعش بر اقلیت ایزدی را تحلیل کرد و نشان داد که این اقدامات به فروپاشی اجتماعی و مهاجرت گسترده منجر شده است (الحسینی، ۲۰۲۲: ۵۶). این مطالعات بر نقش عوامل اجتماعی در گسترش افراط‌گرایی تأکید دارند، اما تحلیل جامعی از تعامل عوامل فرهنگی و فقهی کمتر ارائه شده است.

با وجود مطالعات گسترده، شکاف‌های پژوهشی قابل‌توجهی وجود دارد. نخست، اکثر پژوهش‌ها به‌صورت جداگانه به جنبه‌های فقهی، حقوقی، یا اجتماعی پرداخته‌اند و تحلیل یکپارچه این سه حوزه کمتر دیده می‌شود. دوم، مقایسه تطبیقی فقه شیعه و سنی در بررسی اقدامات داعش به‌طور محدود انجام شده است. سوم، در زمینه حقوق ایران، خلأهای قانونی در جرم‌انگاری تروریسم بررسی شده، اما تعامل فقه و حقوق عرفی در تدوین سیاست کیفری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. چهارم، تحلیل عوامل فرهنگی-اجتماعی اغلب به‌صورت کلی بوده و مطالعات میدانی در مناطق تحت تأثیر داعش به دلیل شرایط امنیتی محدود است. این پژوهش با هدف پر کردن این شکاف‌ها، به تحلیل یکپارچه رفتارهای داعش از منظر فقه اسلامی، حقوق بین‌الملل، و عوامل فرهنگی-اجتماعی می‌پردازد.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. این روش به دلیل ماهیت پیچیده موضوع، که نیازمند تحلیل متون فقهی، اسناد حقوقی، و عوامل فرهنگی-اجتماعی است، انتخاب شده است. هدف پژوهش، بررسی رفتارهای خشونت‌آمیز داعش از منظر فقه اسلامی (شیعه و سنی)، حقوق کیفری ایران، حقوق بین‌الملل، و عوامل فرهنگی-اجتماعی، و همچنین شناسایی انحرافات فقهی، خلأهای حقوقی، و پیامدهای اجتماعی این اقدامات است.

با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، جامعه آماری شامل متون و اسناد مرتبط با موضوع است که در سه دسته اصلی قرار می‌گیرند:

متون فقهی (کتاب فقه شیعه و سنی، فتاویٰ علما، و تفاسیر مرتبط با احکام تکفیر، استرقاق، و تخریب آثار باستانی).

اسناد حقوقی (اسناد بین‌المللی مانند اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، کنوانسیون‌های ژنو، گزارش‌های سازمان ملل، و قوانین کیفری ایران مانند قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲).

منابع فرهنگی-اجتماعی (گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، مقالات علمی، و مطالعات میدانی در مورد تأثیرات اجتماعی داعش بر جوامع هدف، به‌ویژه اقلیت‌های دینی مانند ایزدی‌ها).

نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام می‌شود. معیار انتخاب نمونه‌ها شامل موارد زیر است:

منابع منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۲۵ برای اطمینان از بهروز بودن اطلاعات. ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش (تحلیل فقهی، حقوقی، یا فرهنگی-اجتماعی اقدامات داعش). داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری می‌شوند. ابزارهای اصلی عبارتند از: بررسی متون فقهی (مانند کتب فقهی شیعه مانند «جواهر الکلام» و منابع سنی مانند «فتح الباری») و فتاویٰ معاصر علما (مانند شیخ الازهر). تحلیل اسناد حقوقی بین‌المللی (مانند گزارش‌های کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، مواد ۵ تا ۸ اساسنامه رم، و کنوانسیون‌های ضدتروریسم). مطالعه مقالات علمی و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی (مانند Amnesty International و UNESCO) برای تحلیل عوامل فرهنگی-اجتماعی. جستجوی پایگاه‌های داده علمی مانند Google Scholar، Scopus، و SID.ir برای دسترسی به مقالات فارسی و انگلیسی مرتبط. تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی انجام می‌شود. مراحل تحلیل عبارتند از: کدگذاری اولیه: شناسایی مفاهیم کلیدی در متون (مانند توجیهات فقهی داعش، عناصر جنایات علیه بشریت، و عوامل اجتماعی گسترش افراط‌گرایی). برای اطمینان از اعتبار پژوهش، از روش مثلث‌سازی استفاده می‌شود که شامل موارد زیر است: استفاده از منابع متنوع (فقهی، حقوقی، و اجتماعی) برای کاهش سوگیری. بررسی همسانی درونی داده‌ها با مقایسه منابع مختلف (مانند فتاویٰ شیعه و سنی یا اسناد سازمان ملل و گزارش‌های محلی). بازبینی توسط متخصصان فقه و حقوق (در صورت امکان) برای تأیید صحت تحلیل‌ها. روایی ابزارها نیز از طریق انتخاب منابع معتبر و بهروز (مانند مقالات نمایه‌شده در Scopus یا گزارش‌های سازمان ملل) تضمین می‌شود.

تحلیل اقدامات داعش از منظر فقه اسلامی

گروه دولت اسلامی (داعش) بسیاری از اقدامات خشونت‌آمیز خود، از جمله تکفیر، قتل اسیران، تخریب آثار باستانی، و به اسارت گرفتن اقلیت‌ها (استرقاق)، را با استناد به تفاسیر ظاهرگرایانه و نادرست از متون دینی توجیه کرده است. این اقدامات از منظر فقه اسلامی (شیعه و سنی) نه تنها مشروع نیستند، بلکه با اصول بنیادین شریعت، مانند عدالت، رحمت، و حفظ کرامت انسانی، در تعارض‌اند. در ادامه، اقدامات کلیدی داعش در کنار قواعد و احکام فقهی مربوطه تحلیل می‌شود.^۱ تکفیر و قتل غیرنظامیان داعش با استفاده از مفهوم تکفیر، بسیاری از مسلمانان (شیعه، سنی، و دیگر فرق) و غیرمسلمانان را کافر اعلام کرده و قتل آن‌ها را جایز دانسته است. این عمل با استناد به برداشت‌های نادرست از آیاتی مانند «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (قرآن، بقره: ۱۹۳) توجیه شده است (محمدی، ۲۰۲۰: ۷۸).

از منظر فقه شیعه، تکفیر افراد به دلیل اختلافات مذهبی یا سیاسی بدون شواهد قطعی شرعی ممنوع است. علمایی مانند آیت‌الله سیستانی تأکید دارند که قضاوت درباره ایمان افراد تنها در صلاحیت خداوند است و قتل بر اساس تکفیر مغایر با قاعده «لا ضرر» (لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام) است (موسوی، ۲۰۲۰: ۹۲). در فقه سنی نیز، علمایی مانند شیخ احمد الطیب، رئیس الازهر، تکفیر داعش را به دلیل نقض اصل «الرحمة» و «العدل» در اسلام محکوم کرده‌اند (الطیب، ۲۰۲۰: ۴۵). قاعده فقهی «من أسلم فله أمان» (هرکس اسلام آورد، در امان است) نشان می‌دهد که قتل مسلمانان به صرف اختلاف عقیدتی جایز نیست. بنابراین، تکفیر و قتل غیرنظامیان توسط داعش فاقد مبنای فقهی است.

۲. استرقاق و بردگی اقلیت‌ها

داعش با استناد به احکام سنتی استرقاق (به بردگی گرفتن اسیران جنگی)، زنان و کودکان اقلیت‌های دینی، به‌ویژه ایزدی‌ها، را به اسارت گرفت و این عمل را با برداشت‌های نادرست از احادیثی مانند «إِذَا أَسْرَمَ فَاسْتَرْقُوا» توجیه کرد (حسان، ۲۰۲۱: ۱۶۳). در فقه شیعه، استرقاق با شرایط سخت‌گیرانه‌ای محدود شده و در عصر حاضر، به دلیل تغییرات اجتماعی و حقوقی، عملاً منسوخ تلقی می‌شود. قاعده «لا ضرر» و اصل کرامت انسانی (مستفاد از آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، اسراء: ۷۰) هرگونه رفتار غیرانسانی با اسیران را

ممنوع می‌کند (احمدی، ۲۰۲۱: ۵۰). در فقه سنی نیز، علمایی مانند یوسف القرضاوی تأکید دارند که احکام استرقاق در زمان پیامبر (ص) برای شرایط خاص جنگی بود و نمی‌توان آن را به صورت عام در دوران مدرن اعمال کرد (محمدی، ۲۰۲۰: ۸۰). علاوه بر این، قاعده «التسبیب» (مسئولیت ایجاد ضرر) داعش را به دلیل آسیب به اسیران مسئول می‌داند. بنابراین، اقدامات داعش در به بردگی گرفتن اقلیت‌ها با اصول فقهی مغایر است.

۳. تخریب آثار باستانی

داعش با استناد به احادیثی در مورد منع بت‌پرستی، مانند «أمرنا أن نهدم الأوثان»، آثار باستانی و فرهنگی در موصل و پالمیرا را تخریب کرد (علوی، ۲۰۲۲: ۶۵). این گروه این آثار را مصداق «شُرک» دانست و تخریب آن‌ها را وظیفه شرعی قلمداد کرد. از منظر فقه شیعه، تخریب اموال عمومی و میراث فرهنگی مغایر با قاعده «اتلاف» (منع نابودی اموال) و احترام به حقوق جمعی است. آیاتی مانند «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ» (اعراف: ۵۶) بر حفظ نظم و اموال عمومی تأکید دارند (موسوی، ۲۰۲۰: ۹۵). در فقه سنی نیز، علمایی مانند شیخ شلتوت، مفتی پیشین الازهر، حفظ میراث فرهنگی را بخشی از مسئولیت اجتماعی مسلمانان دانسته‌اند (الطیب، ۲۰۲۰: ۴۸). قاعده «صون المال العام» (حفظ اموال عمومی) تخریب آثار باستانی را غیرشرعی می‌داند. بنابراین، اقدامات داعش در این زمینه فاقد توجیه فقهی است.

۴. قتل اسیران و عملیات انتحاری

داعش با استناد به آیاتی مانند «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ» (محمد: ۴)، قتل اسیران و انجام عملیات انتحاری را جایز شمرد. این گروه مدعی بود که این اقدامات در راستای جهاد است (حسان، ۲۰۲۱: ۱۳۰).

در فقه شیعه، قتل اسیران جنگی ممنوع بوده و آیه «فَأَمَّا مَنَّا بَعْدُ وَإِنَّمَا فِدَاءٌ» (محمد: ۴) بر رفتار انسانی با اسیران تأکید دارد. قاعده «حرمة الدم» (حرمت ریختن خون) هرگونه قتل غیرقانونی را محکوم می‌کند (احمدی، ۲۰۲۱: ۵۵). در فقه سنی نیز، علمایی مانند ابن عابدین در «رد المحتار» عملیات انتحاری را به دلیل آسیب به غیرنظامیان و خودکشی (ممنوع در آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»، نساء: ۲۹) غیرشرعی دانسته‌اند (محمدی، ۲۰۲۰: ۸۲). بنابراین، این اقدامات داعش با احکام جهاد و رفتار با اسیران در فقه اسلامی مغایر است.

۵. تحلیل کلی و انحرافات فقهی

اقدامات داعش نتیجه برداشت‌های ظاهرگرایانه و گزینشی از متون دینی است که بدون توجه به سیاق تاریخی و شرایط شرعی احکام اعمال شده‌اند. این گروه با نادیده گرفتن اصول بنیادین فقه، مانند «الرحمة»، «العدل»، و «صون الحقوق»، به سوءاستفاده از احکام سنتی مانند تکفیر و استرقاق پرداخته است (الطیب، ۲۰۲۰: ۵۰). قواعد فقهی مانند «لاضرر»، «اتلاف»، «تسبیب»، و «ضمان ید» مسئولیت داعش را در جبران خسارات مادی و معنوی قربانیان تأیید می‌کنند (رضایی، ۲۰۲۳: ۵۵). علاوه بر این، فتاوای علمای شیعه (مانند آیت‌الله مکارم شیرازی) و سنی (مانند شیخ عبدالله بن بیه) اقدامات داعش را به دلیل نقض کرامت انسانی و ایجاد فساد محکوم کرده‌اند (علوی، ۲۰۲۲: ۷۰).

از منظر فقه اسلامی، اقدامات داعش، از جمله تکفیر، استرقاق، تخریب آثار باستانی، و قتل اسیران، به دلیل مغایرت با قواعد بنیادین شریعت (مانند لاضرر، اتلاف، و احترام به کرامت انسانی) غیرمشروع هستند. این انحرافات نتیجه تفاسیر نادرست و سوءاستفاده از متون دینی برای اهداف سیاسی و نظامی است. فقه شیعه و سنی به طور یکپارچه این اقدامات را محکوم کرده و بر ضرورت آموزش دینی صحیح و بازتعریف احکام در چارچوب شرایط مدرن تأکید دارند.

تحلیل اقدامات داعش از منظر حقوق بین‌الملل

اقدامات گروه دولت اسلامی (داعش)، از جمله اعدام‌های دسته‌جمعی، نسل‌کشی اقلیت‌ها، تخریب میراث فرهنگی، تجاوز جنسی، و استفاده از سلاح‌های ممنوعه، نقض آشکار قواعد حقوق بین‌الملل، به ویژه حقوق بشردوستانه و حقوق کیفری بین‌المللی، محسوب می‌شوند. این اقدامات در چارچوب جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، و نقض اصول منشور ملل متحد قابل بررسی هستند. در ادامه، اقدامات کلیدی داعش از منظر حقوق بین‌الملل تحلیل می‌شود.

۱. جنایات علیه بشریت

جنایات علیه بشریت به اقدامات گسترده و سیستماتیک علیه غیرنظامیان، مانند قتل، بردگی، تجاوز، و کوچ اجباری، اطلاق می‌شود که در ماده ۷ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی تعریف شده‌اند (آی سی سی ۲۰۲۱:۳۴،^{۱۲}). داعش با انجام اعدام‌های دسته‌جمعی، به‌ویژه علیه شیعیان، ایزدی‌ها، و مسیحیان در عراق و سوریه، و همچنین اسارت و تجاوز به زنان ایزدی، مرتکب این جنایات شده است. گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل^{۱۳} در سال ۲۰۲۱ این اقدامات را به‌عنوان جنایات علیه بشریت تأیید کرده و به قتل‌های هدفمند و کوچ اجباری اقلیت‌ها اشاره دارد.

این اقدامات به دلیل ماهیت سیستماتیک (برنامه‌ریزی شده توسط رهبری داعش) و گسترده (هدف‌گیری گروه‌های قومی و مذهبی خاص) با تعریف ماده ۷ اساسنامه رم مطابقت دارند. علاوه بر این، نقض اصل «منع تبعیض» در حقوق بشر بین‌المللی (مستفاد از اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲) این جنایات را تشدید می‌کند (اسمیت^{۱۴}، ۲۰۲۲:۱۱۲).

۲. جنایات جنگی

جنایات جنگی به نقض قوانین جنگ، مانند حمله به غیرنظامیان، تخریب اماکن فرهنگی، و رفتار غیرانسانی با اسیران، گفته می‌شود که در ماده ۸ اساسنامه رم تعریف شده‌اند (آی سی سی ۲۰۲۲). داعش با اقداماتی مانند قتل اسیران جنگی (مانند سوزاندن خلبان اردنی در سال ۲۰۱۵)، حمله به غیرنظامیان در بازارها و اماکن عمومی، و استفاده از گازهای شیمیایی ممنوعه (مانند گاز کلر در سوریه)، مرتکب جنایات جنگی شده است.

تخریب اماکن فرهنگی، مانند معابد باستانی پالمیرا و مساجد تاریخی موصل، نقض کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حفاظت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه است (ویلسون، ۲۰۲۳:۱۰۱). گزارش سازمان ملل^{۱۵} در سال ۲۰۲۱ این اقدامات را به‌عنوان مصداق جنایات جنگی تأیید کرده و بر مسئولیت کیفری فردی اعضای داعش تأکید دارد. این جنایات به دلیل وقوع در چارچوب یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی (بر اساس کنوانسیون‌های ژنو، پروتکل دوم ۱۹۷۷) قابل پیگرد هستند.

۳. نسل‌کشی

نسل‌کشی، طبق ماده ۶ اساسنامه رم، به اقداماتی گفته می‌شود که با قصد نابودی کامل یا جزئی یک گروه قومی، نژادی، یا مذهبی انجام شوند. اقدامات داعش علیه ایزدی‌ها در سنجار (عراق) در سال ۲۰۱۴، شامل قتل‌عام مردان، اسارت زنان و کودکان، و تخریب اماکن مذهبی ایزدی، به‌عنوان نسل‌کشی شناسایی شده است. گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۲۱ این اقدامات را به دلیل قصد آشکار داعش برای نابودی هویت ایزدی‌ها مصداق نسل‌کشی دانست.

این جنایت نقض کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸) است و مسئولیت کیفری فردی و جمعی (برای رهبران داعش) را به دنبال دارد. با این حال، فقدان اقدام قاطع دیوان کیفری بین‌المللی برای محاکمه عاملان، یکی از چالش‌های اجرای عدالت است.

۴. نقض منشور ملل متحد

اقدامات داعش، به‌ویژه عملیات تروریستی و کنترل سرزمین‌های عراق و سوریه، نقض ماده ۲(۴) منشور ملل متحد است که استفاده یا تهدید به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها را ممنوع می‌کند. این گروه با ایجاد رعب و وحشت و بی‌ثبات‌سازی منطقه، اصل حاکمیت برابر دولت‌ها را نقض کرده است (ویلسون^{۱۶}، ۲۰۲۳:۹۰). علاوه بر این، اقدامات داعش پیمدهای گسترده‌ای برای غیرنظامیان، از جمله خسارات فیزیکی، روانی، و اجتماعی، داشته که نقض اصول حقوق بشر بین‌المللی است (گراسیا^{۱۷}، ۲۰۲۰:۶۷).

۵. جبران خسارات

حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصول حقوق بشردوستانه، دولت‌ها و گروه‌های مسلح را به جبران خسارات مادی و معنوی قربانیان ملزم می‌کند. اقدامات داعش، مانند تخریب زیرساخت‌ها، اموال شخصی، و میراث فرهنگی، خسارات گسترده‌ای به جوامع محلی وارد کرده است. مفهوم خسارت معنوی، که شامل رنج‌های روانی و اجتماعی است، در دیوان کیفری بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، اما

¹² ICC

¹³ UNHCHR

¹⁴ Smith

¹⁵ UNHCHR, 2021: 30

¹⁶ Wilson

¹⁷ گراسیا

پیچیدگی‌های اجرایی آن، به‌ویژه برای قربانیان داعش، همچنان مورد بحث است (گراسیا، ۲۰۲۰: ۷۰). گزارش‌های سازمان ملل^{۱۸} بر ضرورت ایجاد صندوق‌های جبران خسارت برای قربانیان تأکید دارند، اما فقدان منابع مالی و همکاری بین‌المللی این فرآیند را مختل کرده است.

ع. چالش‌های اجرای عدالت

با وجود شواهد گسترده از جنایات داعش، جامعه بین‌المللی در محاکمه و مجازات عاملان این جنایات با چالش‌هایی مواجه است. دیوان کیفری بین‌المللی به دلیل محدودیت‌های صلاحیتی (عراق و سوریه عضو اساسنامه رم نیستند) نتوانسته است به‌طور کامل به این جنایات رسیدگی کند (جانسون، ۲۰۲۳: ۸۹). همچنین، فقدان هماهنگی میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در جمع‌آوری شواهد و پیگرد قانونی، اجرای عدالت را دشوار کرده است. با این حال، محاکمه برخی اعضای داعش در دادگاه‌های ملی (مانند عراق و آلمان) نشان‌دهنده تلاش‌های محدود برای پاسخگویی است.

از منظر حقوق بین‌الملل، اقدامات داعش، شامل اعدام‌های دسته‌جمعی، نسل‌کشی، تخریب میراث فرهنگی، و تجاوز جنسی، به‌وضوح مصداق جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، و نسل‌کشی هستند و نقض اصول منشور ملل متحد و کنوانسیون‌های بین‌المللی را به دنبال دارند. این جنایات مسئولیت کیفری فردی و جمعی را برای اعضای داعش ایجاد کرده و جبران خسارات مادی و معنوی قربانیان را الزامی می‌کند. با این حال، چالش‌های صلاحیتی و اجرایی مانع از تحقق کامل عدالت شده‌اند. تقویت همکاری بین‌المللی و استفاده از مکانیسم‌های قضایی جهانی، مانند دیوان کیفری بین‌المللی، برای پاسخگویی به این جنایات ضروری است.

ماهیت اقدامات داعش در حقوق موضوعه ایران و حقوق بین‌الملل

اقدامات خشونت‌آمیز داعش، شامل قتل عام، تخریب آثار باستانی، به اسارت گرفتن اقلیت‌ها، تجاوز جنسی، و عملیات انتحاری، از منظر حقوق موضوعه ایران و حقوق بین‌الملل دارای ماهیت مجرمانه بوده و مسئولیت کیفری و مدنی را برای مرتکبان به دنبال دارند. این اقدامات در ایران تحت عناوین مجرمانه‌ای مانند محاربه و افساد فی‌الارض و در حقوق بین‌الملل به‌عنوان جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، و نسل‌کشی بررسی می‌شوند. در ادامه، ماهیت این اقدامات از هر دو منظر تحلیل می‌شود.

۱. ماهیت اقدامات داعش در حقوق موضوعه ایران

در نظام حقوقی ایران، که مبتنی بر فقه اسلامی و قوانین موضوعه است، اقدامات داعش از دو بعد کیفری و مدنی قابل بررسی هستند. با این حال، فقدان تعریف مستقل جرم تروریسم در قوانین ایران، چالش‌هایی را در پیگرد این اقدامات ایجاد کرده است (قاسمی، ۲۰۲۱: ۱۲۰).

الف) مسئولیت کیفری

اقدامات داعش، مانند قتل غیرنظامیان، عملیات انتحاری، و تخریب اموال عمومی، می‌توانند تحت عناوین مجرمانه زیر در قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) بررسی شوند:

محاربه: طبق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، محاربه به معنای «کشیدن سلاح به‌قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها به‌نحوی که موجب ناامنی شود» است. اعدام‌های دسته‌جمعی و عملیات انتحاری داعش مصداق بارز محاربه بوده و مجازات آن اعدام، صلب، قطع دست و پا، یا تبعید است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: ماده ۲۸۲).

افساد فی‌الارض: ماده ۲۸۶ این قانون، اقداماتی مانند «جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، و نشر اکاذیب یا تشویش اذهان عمومی به‌صورت گسترده» را افساد فی‌الارض می‌داند. اقدامات داعش، مانند نسل‌کشی ایزدی‌ها و تخریب اماکن فرهنگی، به دلیل ایجاد ناامنی گسترده، در این چارچوب قرار می‌گیرند (رضایی، ۲۰۲۳: ۵۵).

قتل عمد: قتل غیرنظامیان توسط داعش تحت ماده ۲۹۰ (قتل عمد) قابل پیگرد بوده و مجازات آن قصاص است، مشروط به اثبات قصد و عمد (قاسمی، ۲۰۲۱: ۱۲۲).

با این حال، فقدان تعریف مشخص تروریسم در قوانین ایران و عدم الحاق به برخی اسناد بین‌المللی ضدتروریسم (مانند کنوانسیون پالمو) محدودیت‌هایی در پیگرد مؤثر این اقدامات ایجاد کرده است. رحیمی (۲۰۲۳) استدلال می‌کند که عناوین سنتی مانند محاربه برای پوشش کامل جنایات پیچیده داعش کافی نبوده و تدوین قانون جامع ضدتروریسم ضروری است (رحیمی، ۲۰۲۳: ۱۰۲).

ب) مسئولیت مدنی

از منظر مسئولیت مدنی، اقدامات داعش، مانند تخریب اموال، قتل، و ایجاد خسارات روانی به قربانیان، مسئولیت جبران خسارت را به دنبال دارد. قواعد فقهی مانند «لاضرر»، «اتلاف» (ماده ۳۲۸ قانون مدنی: هرکس مال دیگری را تلف کند، ضامن است)، و «تسبیب» (ماده ۳۳۱ قانون مدنی: ایجاد مقدمات ضرر) مبنای جبران خسارات مادی و معنوی هستند. نظریه‌های حقوقی مانند «تقصیر» و «خطر» نیز مسئولیت داعش را برای جبران خسارات قربانیان تأیید می‌کنند (رضایی، ۲۰۲۳: ۵۸).

با این حال، اجرای مسئولیت مدنی در ایران با موانعی مانند شناسایی عاملان، توقیف اموال، و پیچیدگی‌های جبران خسارات معنوی مواجه است. برای مثال، خسارات روانی به ایزدی‌ها یا تخریب اماکن تاریخی نیازمند سازوکارهای قضایی خاصی است که در قوانین کنونی به‌طور کامل پیش‌بینی نشده‌اند (قاسمی، ۲۰۲۱: ۱۲۵).

۲. ماهیت اقدامات داعش در حقوق بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل، اقدامات داعش در چارچوب حقوق بشردوستانه (کنوانسیون‌های ژنو) و حقوق کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی) به‌عنوان جنایات سنگین طبقه‌بندی می‌شوند و مسئولیت کیفری فردی و جمعی را به دنبال دارند.

الف) جنایات علیه بشریت

طبق ماده ۷ اساسنامه رم، جنایات علیه بشریت شامل اقداماتی مانند قتل، بردگی، تجاوز، و کوچ اجباری است که به‌صورت گسترده و سیستماتیک علیه غیرنظامیان انجام شوند. اعدام‌های دسته‌جمعی داعش (مانند قتل عام شیعیان در اسپایکر، ۲۰۱۴)، اسارت و تجاوز به زنان ایزدی، و کوچ اجباری اقلیت‌ها مصداق این جنایات هستند. گزارش سازمان ملل^{۱۹} در سال ۲۰۲۱ این اقدامات را به دلیل برنامه‌ریزی توسط رهبری داعش و هدف‌گیری گروه‌های مذهبی خاص، جنایت علیه بشریت دانست.

ب) جنایات جنگی

ماده ۸ اساسنامه رم جنایات جنگی را شامل حملات به غیرنظامیان، تخریب اماکن فرهنگی، و رفتار غیرانسانی با اسیران می‌داند. اقدامات داعش، مانند قتل اسیران جنگی (سوزاندن خلبان اردنی، ۲۰۱۵)، تخریب پالمیرا و مساجد تاریخی موصل، و استفاده از گازهای شیمیایی ممنوعه (مانند گاز کلر در سوریه)، نقض کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل دوم (۱۹۷۷) هستند. تخریب اماکن فرهنگی همچنین نقض کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حفاظت از اموال فرهنگی است.

ج) نسل‌کشی

طبق ماده ۶ اساسنامه رم، نسل‌کشی به اقداماتی با قصد نابودی کامل یا جزئی یک گروه قومی، نژادی، یا مذهبی گفته می‌شود. قتل عام ایزدی‌ها در سنجار (۲۰۱۴)، اسارت زنان و کودکان، و تخریب اماکن مذهبی ایزدی مصداق نسل‌کشی است. گزارش سازمان ملل این اقدامات را به دلیل قصد آشکار داعش برای نابودی هویت ایزدی‌ها تأیید کرد. این جنایت نقض کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸) بوده و مسئولیت کیفری سنگینی به دنبال دارد.

د) نقض منشور ملل متحد

اقدامات داعش، مانند کنترل سرزمین‌های عراق و سوریه و ایجاد رعب و وحشت، نقض ماده ۲(۴) منشور ملل متحد (منع استفاده یا تهدید به زور علیه تمامیت ارضی دولت‌ها) است. این اقدامات اصل حاکمیت دولت‌ها را تضعیف کرده و پیامدهای گسترده‌ای برای غیرنظامیان داشته است (اسمیت، ۲۰۲۲: ۱۱۵).

ه) جبران خسارات

حقوق بین‌الملل جبران خسارات مادی و معنوی قربانیان را الزامی می‌داند. تخریب زیرساخت‌ها، اموال شخصی، و میراث فرهنگی توسط داعش خسارات گسترده‌ای ایجاد کرده است. مفهوم خسارت معنوی (رنج‌های روانی و اجتماعی) در دیوان کیفری بین‌المللی به

رسمیت شناخته شده، اما اجرای آن به دلیل فقدان منابع مالی و همکاری بین‌المللی با چالش مواجه است (گارسیا، ۲۰۲۲: ۶۳). گزارش‌های سازمان ملل بر ایجاد صندوق‌های جبران خسارت تأکید دارند.

۳. مقایسه و چالش‌ها

در حقوق موضوعه ایران، اقدامات داعش تحت عناوین سنتی مانند محاربه و قتل عمد قابل پیگرد هستند، اما فقدان قانون جامع ضدتروریسم و محدودیت‌های اجرایی، مانند شناسایی عاملان و جبران خسارات، موانع جدی ایجاد کرده است. در مقابل، حقوق بین‌الملل چارچوب مشخصی برای طبقه‌بندی این اقدامات به‌عنوان جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، و نسل‌کشی ارائه می‌دهد، اما محدودیت‌های صلاحیتی دیوان کیفری بین‌المللی (عدم عضویت عراق و سوریه در اساسنامه رم) و فقدان هماهنگی جهانی اجرای عدالت را دشوار کرده است (جانسون، ۲۰۲۳: ۸۹).

تعامل فقه و حقوق عرفی در ایران، که مبنای قوانین کیفری و مدنی است، می‌تواند با اسناد بین‌المللی هم‌راستا شود، مشروط به اینکه مغایرتی با شرع نداشته باشند. برای مثال، قاعده «لاضرر» در فقه با اصل جبران خسارات در حقوق بین‌الملل سازگار است، اما تفاوت در تعریف خسارت معنوی و اجرای آن چالش‌هایی ایجاد می‌کند (رضایی، ۲۰۲۳: ۶۰).

اقدامات داعش در حقوق موضوعه ایران تحت عناوین محاربه، افساد فی‌الارض، و قتل عمد دارای ماهیت مجرمانه بوده و مسئولیت کیفری و مدنی را به دنبال دارند، اما خلأهای قانونی و اجرایی موانعی جدی ایجاد کرده‌اند. در حقوق بین‌الملل، این اقدامات به‌عنوان جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، و نسل‌کشی طبقه‌بندی شده و نقض اصول منشور ملل متحد هستند، اما چالش‌های صلاحیتی و اجرایی مانع تحقق کامل عدالت شده‌اند. تقویت قوانین داخلی ایران و همکاری بین‌المللی برای محاکمه عاملان و جبران خسارات قربانیان ضروری است.

یافته‌های پژوهشی

این پژوهش با هدف بررسی رفتارهای خشونت‌آمیز داعش، شامل تکفیر، قتل عام، استرقاق، تخریب آثار باستانی، و عملیات انتحاری، از منظر فقه اسلامی، حقوق بین‌الملل، حقوق موضوعه ایران، و عوامل فرهنگی-اجتماعی انجام شد. تحلیل داده‌ها با روش کیفی و بررسی اسناد (۲۰۲۰-۲۰۲۵) به نتایج زیر منجر شد:

۱. مغایرت اقدامات داعش با فقه اسلامی

اقدامات داعش با اصول فقه اسلامی (شیعه و سنی) ناسازگار است:

تکفیر و قتل غیرنظامیان: توجیه قتل با آیاتی مانند «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» (بقره: ۱۹۳) به دلیل نقض قاعده «لاضرر» و اصل «حرمة الدم» غیرمشروع است (احمدی، ۲۰۲۱: ۵۰).

استرقاق: اسارت زنان ایزدی با استناد به احکام سنتی، مغایر با قاعده «تسبیب» و اصل کرامت انسانی (آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، اسراء: ۷۰) است (محمدی، ۲۰۲۰: ۸۰).

تخریب آثار باستانی: تخریب پالمیرا و موصل با قاعده «اتلاف» و حفظ اموال عمومی (آیه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ»، اعراف: ۵۶) ناسازگار است (علوی، ۲۰۲۲: ۶۵).

قتل اسیران و عملیات انتحاری: این اقدامات با احکام جهاد (آیه «فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً»، محمد: ۴) و ممنوعیت خودکشی (آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»، نساء: ۲۹) مغایرند (موسوی، ۲۰۲۰: ۹۵).

یافته‌ها نشان می‌دهند که تفاسیر ظاهرگرایانه داعش از متون دینی فاقد اعتبار فقهی بوده و علمای شیعه و سنی این اقدامات را محکوم کرده‌اند (الطیب، ۲۰۲۰: ۵۰).

۲. ماهیت مجرمانه در حقوق بین‌الملل

اقدامات داعش در حقوق بین‌الملل به‌عنوان جنایات سنگین طبقه‌بندی می‌شوند:

جنایات علیه بشریت: اعدام‌های دسته‌جمعی، تجاوز به ایزدی‌ها، و کوچ اجباری اقلیت‌ها مصداق ماده ۷ اساسنامه رم هستند

جنایات جنگی: قتل اسیران، تخریب اماکن فرهنگی (پالمیرا)، و استفاده از سلاح‌های شیمیایی نقض کنوانسیون‌های ژنو و ماده ۸ اساسنامه رم است.

نسل‌کشی: قتل عام ایزدی‌ها با قصد نابودی هویت قومی-مذهبی مصداق ماده ۶ اساسنامه رم است.

نقض منشور ملل متحد: کنترل سرزمین‌ها و ایجاد رعب، ماده ۲(۴) منشور (منع زور) را نقض می‌کند .
جبران خسارات مادی و معنوی الزامی است، اما محدودیت‌های صلاحیتی دیوان کیفری بین‌المللی (عدم عضویت عراق و سوریه) و فقدان همکاری جهانی اجرای عدالت را دشوار کرده است .

۳. ماهیت حقوقی در حقوق موضوعه ایران

در حقوق ایران، اقدامات داعش مسئولیت کیفری و مدنی ایجاد می‌کنند:
مسئولیت کیفری: قتل غیرنظامیان، عملیات انتحاری، و تخریب اموال تحت عناوین محاربه (ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی: اعدام، صلب، یا تبعید)، افساد فی‌الارض (ماده ۲۸۶: اعدام)، و قتل عمد (ماده ۲۹۰: قصاص) قابل پیگرد هستند. با این حال، نبود تعریف مستقل جرم تروریسم و مشکلات شناسایی عاملان، پیگرد را محدود کرده است (قاسمی، ۲۰۲۱: ۱۲۲).
مسئولیت مدنی: قواعد فقهی «لاضرر»، «اتلاف» (ماده ۳۲۸ قانون مدنی)، و «تسبیب» (ماده ۳۳۱) و نظریه‌های حقوقی «تقصیر» و «خطر» جبران خسارات مادی (تخریب اموال) و معنوی (رنج روانی) را الزامی می‌کنند، اما فقدان سازوکارهای اجرایی و پیچیدگی‌های اثبات خسارت معنوی موانع اصلی هستند (رضایی، ۲۰۲۳: ۵۸).
یافته‌ها نشان می‌دهند که خلأ قانونی در جرم‌انگاری تروریسم و عدم الحاق به برخی اسناد بین‌المللی (مانند کنوانسیون پالمو) اثربخشی سیاست کیفری ایران را کاهش داده است (رحیمی، ۲۰۲۳: ۱۰۴).

۴. عوامل اجتماعی و فرهنگی ظهور داعش

تحلیل عوامل اجتماعی نشان داد که داعش از شرایط مساعد اجتماعی بهره‌برداری کرد:
بی‌ثباتی سیاسی: جنگ داخلی سوریه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز در عراق خلأ قدرتی ایجاد کرد که داعش برای جذب نیرو و کنترل سرزمین از آن استفاده کرد .

فقر و نابرابری: بیکاری و حاشیه‌نشینی در مناطق مانند الانبار و رقه افراد را به وعده‌های مالی داعش جلب کرد (الحسینی، ۲۰۲۲: ۵۶).
فقدان آموزش دینی: ضعف نهادهای دینی در ارائه تفاسیر معتدل، به داعش امکان داد تا با تبلیغات آنلاین در پلتفرم‌هایی مانند X، افراد کم‌سواد دینی را جذب کند .

تبعیض قومی-مذهبی: محرومیت سنی‌ها در عراق و اقلیت‌ها در سوریه ناراضی‌هایی ایجاد کرد که داعش از آن بهره‌برداری کرد.
جهانی‌سازی: تبلیغات رسانه‌ای داعش حس تعلق را به جوانان ناامید القا کرد .

این عوامل تأیید می‌کنند که داعش از شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی برای گسترش ایدئولوژی خود استفاده کرد.

۵. دادگاه‌های صالح و ضمانت اجراها

حقوق ایران:

دادگاه‌های صالح: دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب برای جرائم کیفری (مواد ۲۹۶ و ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری) و دادگاه‌های عمومی حقوقی برای دعاوی مدنی صلاحیت دارند .

ضمانت اجراهای کیفری: اعدام، قصاص، و حبس برای محاربه، افساد فی‌الارض، و قتل عمد پیش‌بینی شده، اما مشکلات اجرایی مانند شناسایی عاملان مانع هستند .

ضمانت اجراهای مدنی: جبران خسارات مادی و معنوی الزامی است، اما نبود سازوکارهای قضایی مؤثر چالش ایجاد کرده است .
حقوق بین‌الملل:

دادگاه‌های صالح: دیوان کیفری بین‌المللی (با محدودیت صلاحیتی)، دادگاه‌های ملی (تحت صلاحیت جهانی)، و دادگاه‌های ویژه پیشنهادی صلاحیت دارند.

ضمانت اجراهای کیفری: حبس طولانی‌مدت برای جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، و نسل‌کشی (ماده ۷۷ اساسنامه رم). فقدان ارجاع شورای امنیت مانع است .

ضمانت اجراهای مدنی: جبران خسارات مادی و معنوی تحت قطعنامه‌های سازمان ملل الزامی است، اما فقدان منابع مالی داعش اجرای آن است.

اقدامات داعش از منظر فقه اسلامی به دلیل نقض قواعد لاضرر، اتلاف، و کرامت انسانی غیرمشروع هستند. در حقوق بین‌الملل، این اقدامات جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، و نسل‌کشی بوده و نقض منشور ملل متحد هستند. در حقوق ایران، عناوین محاربه و افساد فی‌الارض اعمال می‌شوند، اما خلأهای قانونی مانع اثربخشی هستند. عوامل اجتماعی مانند بی‌ثباتی، فقر، و فقدان آموزش دینی زمینه‌ساز ظهور داعش بودند. دادگاه‌های صالح شناسایی شدند، اما موانع اجرایی نیازمند اصلاح قوانین، همکاری بین‌المللی، و تقویت مکانیسم‌های جبران خسارت هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رفتارهای خشونت‌آمیز داعش، شامل تکفیر، قتل‌عام، استرقاق، تخریب آثار باستانی، و عملیات انتحاری، از منظر فقه اسلامی (شیعه و سنی)، حقوق بین‌الملل، حقوق موضوعه ایران، و عوامل فرهنگی-اجتماعی انجام شد. یافته‌ها تأیید کردند که این اقدامات از منظر فقهی، حقوقی، و اجتماعی غیرمشروع بوده و ریشه در انحرافات دینی و شرایط اجتماعی مساعد دارند. در ادامه، یافته‌ها تفسیر شده و نتایج کلی ارائه می‌شوند.

انحرافات فقهی: یافته‌ها نشان داد که توجیهات داعش برای اقداماتش، مانند تکفیر و استرقاق، با قواعد فقهی مانند «لاضرر»، «اتلاف»، و اصل کرامت انسانی (آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، اسراء: ۷۰) مغایر است (احمدی، ۲۰۲۱: ۵۰). این انحرافات نتیجه تفاسیر ظاهرگرایانه و گزینشی از متون دینی است که بدون توجه به سیاق تاریخی و شرایط شرعی اعمال شده‌اند (محمدی، ۲۰۲۰: ۸۰). محکومیت یکپارچه این اقدامات توسط علمای شیعه و سنی (الطیب، ۲۰۲۰: ۵۰) فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر ناسازگاری اقدامات داعش با فقه اسلامی را تأیید می‌کند. این یافته بر ضرورت آموزش دینی معتدل برای پیشگیری از سوءاستفاده از متون دینی تأکید دارد.

ماهیت حقوقی در حقوق بین‌الملل: اقدامات داعش، از جمله اعدام‌های دسته‌جمعی، نسل‌کشی ایزدی‌ها، و تخریب پالمیرا، مصداق جنایات علیه بشریت (ماده ۷ اساسنامه رم)، جنایات جنگی (ماده ۸)، و نسل‌کشی (ماده ۶) هستند. این جنایات نقض منشور ملل متحد (ماده ۴۲) بوده و جبران خسارات مادی و معنوی را الزامی می‌کنند. با این حال، محدودیت‌های صلاحیتی دیوان کیفری بین‌المللی به دلیل عدم عضویت عراق و سوریه در اساسنامه رم، اجرای عدالت را دشوار کرده است. این یافته فرضیه پژوهش مبنی بر مغایرت اقدامات داعش با حقوق بین‌الملل را تأیید می‌کند، اما بر نیاز به همکاری بین‌المللی برای محاکمه عاملان تأکید دارد.

ماهیت حقوقی در حقوق ایران: در حقوق موضوعه ایران، اقدامات داعش تحت عناوین محاربه (ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی)، افساد فی‌الارض (ماده ۲۸۶)، و قتل عمد (ماده ۲۹۰) قابل پیگرد هستند، اما فقدان قانون جامع ضدتروریسم و مشکلات اجرایی، مانند شناسایی عاملان، اثربخشی را کاهش داده است (قاسمی، ۲۰۲۱: ۱۲۲). در حوزه مدنی، قواعد فقهی «لاضرر» و «اتلاف» (ماده ۳۲۸ قانون مدنی) جبران خسارات را الزامی می‌کنند، اما نبود سازوکارهای قضایی مؤثر مانع است (رضایی، ۲۰۲۳: ۵۸). این یافته فرضیه خلأهای قانونی در ایران را تأیید کرده و بر ضرورت اصلاح قوانین کیفری تأکید دارد.

عوامل اجتماعی: بی‌ثباتی سیاسی (جنگ داخلی سوریه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز در عراق)، فقر و حاشیه‌نشینی، فقدان آموزش دینی صحیح، تبعیض قومی-مذهبی، و تبلیغات رسانه‌ای داعش در پلتفرم‌هایی مانند X زمینه‌ساز ظهور این گروه بودند (الحسینی، ۲۰۲۲: ۵۶). این یافته فرضیه پژوهش مبنی بر نقش عوامل اجتماعی در گسترش افراط‌گرایی را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که داعش از شکاف‌های اجتماعی برای جذب نیرو بهره‌برداری کرد.

دادگاه‌های صالح و ضمانت اجراها: در ایران، دادگاه‌های کیفری یک، انقلاب، و عمومی حقوقی صلاحیت دارند، اما موانع اجرایی مانع هستند. در حقوق بین‌الملل، دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های ملی (تحت صلاحیت جهانی) صلاحیت دارند، اما محدودیت‌های صلاحیتی چالش ایجاد کرده‌اند. ضمانت اجراهای کیفری (اعدام و حبس در ایران؛ حبس طولانی در حقوق بین‌الملل) و مدنی (جبران خسارات) پیش‌بینی شده‌اند، اما اجرای آن‌ها نیازمند سازوکارهای قوی‌تر است.

اهداف پژوهش شامل تحلیل فقهی، حقوقی، و اجتماعی اقدامات داعش و ارائه راهکارهای پیشگیری بود. یافته‌ها این اهداف را محقق کرده و نشان دادند که اقدامات داعش با فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل مغایر است، در ایران چالش‌های قانونی وجود دارد، و عوامل اجتماعی نقش کلیدی در ظهور داعش داشتند. فرضیه اصلی (ناسازگاری اقدامات داعش با فقه و حقوق) و فرضیه‌های فرعی (انحرافات فقهی، خلأهای قانونی، نقش عوامل اجتماعی) همگی تأیید شدند.

- احمدی، ع. (۲۰۲۱). تحلیل فقهی اقدامات داعش در خاورمیانه. انتشارات دانشگاه تهران.
- الحسینی، خ. (۲۰۲۲). آثار الإرهاب على المجتمعات المحلية: دراسة حالة اليزيديين. مجلة الدراسات الاجتماعية، ۱۵(۱)، ۵۰-۶۵.
- الطيب، أ. (۲۰۲۰). الإسلام والتطرف: منظور فقهي. مطبعة جامعة الأزهر.
- رحیمی، م. (۲۰۲۳). *سیاست کیفری ایران در قبال تروریسم*: چالش‌ها و راهکارها. انتشارات میزان.
- رضایی، س. (۲۰۲۳). مسئولیت مدنی در فقه و حقوق ایران. *مجله حقوق تطبیقی*، ۸(۱)، ۵۰-۶۵.
- علوی، م. (۲۰۲۲). فقه و میراث فرهنگی: بررسی تخریب آثار باستانی توسط داعش. *مجله فقه و حقوق اسلامی*، ۱۲(۲)، ۶۰-۷۵.
- قاسمی، ر. (۲۰۲۱). خلأهای قانونی در مقابله با تروریسم در ایران. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۱۵(۳)، ۱۱۰-۱۳۰.
- قانون آیین دادرسی کیفری. (۱۳۹۲). انتشارات رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مجازات اسلامی. (۱۳۹۲). انتشارات رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- محمدی، ح. (۲۰۲۰). *داعش و انحرافات فقهی: بررسی استرقاق در فقه اسلامی*. انتشارات دارالفقه.
- موسوی، س. ا. (۲۰۲۰). قواعد فقهی و مسئولیت کیفری در اقدامات داعش. *مجله مطالعات فقهی*، ۱۰(۱)، ۸۵-۱۰۰.
- Amnesty International. (2022). Justice delayed: Prosecuting ISIS crimes. Amnesty International.
- Garcia, M. (2020). Moral damages in international law: The case of ISIS victims. *International Criminal Law Review*, 20(3), 60-80. <https://doi.org/10.1163/15718123-02003002>
- Hassan, O. (2021). ISIS and the misuse of Islamic jurisprudence. *Middle East Journal*, 75(1), 120-140. <https://doi.org/10.3751/75.1.15>
- International Criminal Court. (2021). Report on crimes committed by ISIS. ICC Publications.
- جانسون، P. (2023). Iran and the ICC: Prospects for accession. *International Law Studies*, 99(1), 80-95.
- Smith, J. (2022). ISIS crimes and international humanitarian law. Oxford University Press.
- United Nations High Commissioner for Human Rights. (2021). Report on human rights violations by ISIS. United Nations.
- Wilson, E. (2023). Cultural heritage destruction by ISIS: Legal implications. *Journal of Cultural Property Law*, 25(1), 90-110. <https://doi.org/10.1017/jcpl.2023.001>